

مقایسه جامعیت مفهوم خدا در قرآن کریم و کتب مقدس سایر ادیان الهی؛ با توجه به سنت اسلامی و روایت شیعی

علیرضا فارسی نژاد*

استادیار فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه شیراز، ایران

سید محمدهاشم پورمولا**

استادیار فقه، دانشگاه شیراز، ایران

علی طاهری دهنوی***

کارشناسی ارشد فقه، دانشگاه شیراز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۶)

چکیده

مفهوم جامع خدا در کتاب‌های مقدس ادیان الهی با عناوین مختلفی مطرح شده است؛ در قرآن، کتاب مقدس مسلمانان، با عنوان «الله»، در اوستا، کتاب مقدس زرتشتیان، با عنوان «آهورامزدا»، در تورات، کتاب مقدس یهودیان، با عنوان «یهوه» و در انجیل، کتاب مقدس مسیحیان، با عنوان «پدر آسمانی».

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا همه عناوین مزبور به یک حقیقت اشاره دارند و کاملاً بر یکدیگر منطبق‌اند یا این که تفاوت‌هایی در این نام‌ها وجود دارد. بدین منظور، نویسنده به روش توصیفی - تحلیلی - تطبیقی عناوین مختلفی را، که در کتب مقدس سایر ادیان الهی حکایت‌گر مفهوم خداست، با عنوان (الله)، که حاکی از مفهوم خدا در قرآن است، مقایسه کرده و به این نتیجه رسیده است که هرچند همه عناوین مذکور به یک حقیقت اشاره دارند و همگی بیانگر مفهوم جامع خدا در آن دین هستند، اما در کتب مقدس سایر ادیان الهی، از حیث توصیف ذات، صفات و افعال خدا، نقاط افتراق زیادی با قرآن وجود دارد. مفهوم جامع خدا در قرآن بیانگر حقیقتی است که در ذات، صفات و افعال، یگانه و نامحدود بوده و از هرگونه شباهت به مخلوقات منزّه است؛ اما در کتب مقدس سایر ادیان الهی بیانگر حقیقتی است که در ذات یگانه نیست، در صفات محدود و انسانی بوده و شریک دارد، در افعال نیز محدود بوده و سطح افعال او در حد افعال بشری پایین آمده است.

* E-mail: ali_farsinezhad@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: pourmola@shirazu.ac.ir

*** E-mail: a.taheridehnavi@shirazu.ac.ir

واژگان کلیدی: الله، اهورامزدا، یهوه، پدر آسمانی.



مقدمه

مفهوم جامع خدا مسئله‌ای است که همه انسان‌ها در طول زندگی بشری درگیر آن بوده‌اند و به دنبال خالق یکتا بر سر آن اختلاف کرده‌اند و پس از یافتن مصداق، جاودانگی و سعادت را در پیروی از آن مصداق یافته‌اند و خود را مطیع اوامر و نواهی او نموده و تمام همت خود را مصروف داشته‌اند که تا سر حد جان از عقاید خود درباره خالقشان دفاع نمایند. این مفهوم با آمدن پیامبران و ادیان مختلف با کتب مقدس متعدد و تأثیرپذیری آن دین و کتب مقدس در طول زمان از پیروان آن‌ها، رنگ و نقشی مهم‌تر از قبل پیدا نمود به گونه‌ای که هر دین، تعریف جداگانه‌ای برای خدا ارائه نمود. از اصلی‌ترین ادیان الهی می‌توان به دین زرتشت با کتاب *اوستا*، دین یهود با کتاب *تورات*، دین مسیح با کتاب *انجیل* و دین اسلام با کتاب *قرآن* اشاره نمود. این ادیان با نفی پرستش اجسام و موجودات گوناگون، تعاریف خاص خود را از مفهوم جامع خدا بیان داشته‌اند؛ اما نکته‌ای که از آن غفلت شده‌اند، این است که آیا با توجه به اشتراکات ادیان الهی در توحید، افتراقی بین آن‌ها وجود دارد و هم‌چنین در بررسی کتب مقدس، افتراق مفهوم جامع خدا در نظر گرفته شده است؟ به یقین، پاسخ منفی است. درباره مفهوم جامع خدا، ادیان الهی با داشتن منشأ واحد توحیدی، هر یک با لفظ خاصی به این مفهوم اشاره نموده‌اند. پس پیدا نمودن حقیقت مفهوم جامع خدا یعنی همان مفهوم اصیلی که خداوند از خود به پیامبرانش ابلاغ داشته تا با آن بشر را هدایت نموده و به وسیله آن خداوند شناخته شود، حائز اهمیت است. بررسی هر کتاب مقدس در این موضوع با کتاب مقدس دیگر به تنهایی مشکلی را حل نمی‌کند و نمی‌توان بدون جهت‌گیری خاص و بی‌طرفانه این موضوع را بررسی نمود؛ لکن، برای حل این معضل، باید یکی از کتب مقدس ادیان توحیدی پایه بررسی قرار گیرد که، در این پژوهش، با توجه به آغاز پژوهش، قرآن، کتاب مقدس مسلمانان، کتاب پایه قرار داده شده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی

- تحلیلی - تطبیقی طی فرایند بررسی متون اصلی کتب مقدس ادیان مذکور و هم‌چنین بهره‌گیری از کتب تاریخ ادیان، کتب لغت و ارزیابی و مقایسه آن‌ها با یکدیگر به مقایسه مفهوم جامع خدا می‌پردازد تا مشخص شود که کدام‌یک از این ادیان مفهوم جامع از خداوند در صفات و افعال را ارائه می‌دهند. این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی از این قبیل است: مفهوم جامع خدا در کتب مقدس ادیان الهی از قبیل زرتشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام چیست؟ وجه افتراق مفهوم جامع خدا در کتب مقدس ادیان مذکور با مفهوم جامع خدا در قرآن کتاب مقدس مسلمانان کدام است؟

پیشینه تحقیق

کتاب *بررسی تطبیقی اسمای الهی* (شنکایی، ۱۳۸۱ش: ۱-۴۸۶) در بخش اول، به اسما و صفات خدا در دین اسلام، در بخش دوم به اسما و صفات خدا در دین یهود، در بخش سوم به اسما و صفات خدا در مسیحیت، در بخش چهارم به اسما و صفات خدا در دین زرتشت و در بخش‌های دیگر نیز به ادیان و گرایش‌های غیرتوحیدی پرداخته است. وجه افتراق پژوهش حاضر با این کتاب در این است که، در این پژوهش، مفهوم جامع خدا در کتب مقدس ادیان توحیدی به روش تطبیقی بررسی و صرفاً بر بیان وجوه افتراق آنها متمرکز شده است، بدون این که بر وجوه اشتراک مفهوم جامع خدا در این کتب بپردازد.

از مقالاتی که درباره مفهوم خدا نوشته شده نیز می‌توان به «خدا از مفهوم تا مدل‌های معرفتی» (حسینی و قراملکی، ۱۳۹۶ش: ۲۱-۴۸)، «بررسی تطبیقی چستی مفهوم خدا از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا» (اخوان نبوی، ۱۳۸۹ش: ۲۹-۳۹)، «رویکردی جامعه‌شناختی به مفهوم خدا» (موحد، ۱۳۸۸ش: ۱-۳۲)، «خدا در فلسفه جدید؛ از مفهوم تا وجود» (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۸ش: ۱۲۶-۱۴۸) اشاره نمود. این مقالات به بررسی مفهوم خدا از منظر

علم فلسفه و جامعه‌شناسی می‌پردازند. وجه تمایز پژوهش حاضر با مقالات مشابه فوق نیز در این است که همگی فقط به بررسی وجه اشتراک مفهوم جامع خدا پرداخته و وجوه افتراق را مورد توجه قرار نداده‌اند؛ اما پژوهش حاضر، به صورت تطبیقی به مفهوم جامع خدا بین ادیان توحیدی و در کتب مقدس آنها پرداخته، که در کمتر پژوهشی مشابه آن کار شده و یا اصلاً کار نشده است. نتیجه آن که، مفهوم جامع خدا تحت عناوین اسمی آن در هر دین و با ذکر اوصاف قابل بیان است؛ به همین دلیل، بررسی صفاتی که هر دین برای مفهوم خدا قائل است، در تعیین مفهوم حقیقی و جامع خدا از اهمیت بسزایی برخوردار است. در نتیجه، در این پژوهش، بیشتر صفاتی نظیر یکتایی، بدون شریک بودن، عدم تجسم بخشی به خدا و نسبت دادن صفات انسانی به خدا مدنظر است.

مفهوم جامع خدا در قرآن، کتاب مقدس مسلمانان

اصلی‌ترین و جامع‌ترین نام خدا در کتاب آسمانی قرآن، نام «الله» است که مجموعاً ۲۷۰۲ بار، ۵ بار به صورت «اللهم» و بقیه به صورت «الله» (بستانی، ۱۳۷۵ش: ۱۲۵) به کار رفته است.

درباره ریشه کلمه «الله» دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که در زیر به سه مورد مهم آن اشاره می‌شود:

۱) «الله» از ریشه «اله» به معنای معبود و از اسامی جامعی است که بر معانی صفات ذاتی او، هم چون واجب‌الوجود، ازلی و ابدی، صفات سلبی و تنزیهی و صفات اضافیه خداوند، دلالت دارد (اسماعیل صینی، ۱۴۱۴ق، ۱۳؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۴: ۹۰؛ ابن‌درید، ۱۹۸۸م، ۲: ۱۰۸۴؛ ابن‌منظور، بی تا: ۱۳: ۴۶۷؛ طبری، بی تا: ۳: ۲۶۵؛ دغیم، ۲۰۰۴م، ج ۱: ۱۰۸؛ فخر رازی، بی تا، ج ۱: ۱۴۳).

۲) «الله» اسم علم و مختص خدا و اسم ذات واجب الوجود است؛ همزه اش حذف شده و الف و لام بر آن اضافه گشته و لام در لام ادغام گردیده است. باید دانست در این کلمه، صفت خاصی از صفات خدا منظور نیست و فقط اسم علم برای خداست؛ ولی به دلالت التزامی به همه صفات خدا دلالت دارد (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۱: ۹۷؛ طبرسی، بی تا، ج ۱: ۹۰؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۱۹؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۶: ۲۲۲).

۳) «الله» از ریشه آله یا له مشتق شده و آله نیز، در اصل، و له بوده؛ ولی واو آن به همزه تبد شده و به معانی متعددی هم چون کسی که همه شیدای اویند و در فراق او بی تاباند؛ ملجأ و پناه همگان است و مردم از عظمت او پروا دارند؛ به کار رفته است (ابن منظور، بی تا، ج ۱: ۱۹۰؛ صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۶۴؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۶: ۲۲۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۲۷).

دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارد که، به جهت رعایت اختصار، از آن صرف نظر می شود (ر.ک؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۶: ۲۲۴؛ طوسی، بی تا، ج ۱: ۲۸؛ زمخشری، بی تا، ج ۱: ۶؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ق، ج ۱: ۱۸۶؛ موسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۲۵۹)؛ لکن بررسی مفهوم جامع خدا در قرآن، در این پژوهش، بیشتر با توجه به قرائت شیعه از قرآن است.

توصیفات مربوط به ذات خدا (الله) در قرآن

«الله» در ذات، یکتا و بی همتاست، هیچ چیز همانند او نیست (مغنیه، ۱۳۷۸ق، ج ۵: ۶۳۱). کسی نمی تواند ذاتش را درک نماید و بر او احاطه پیدا کند (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ۴۵۲). عقل بشر از درک ذاتش عاجز است، اول و آخر اوست (رضی، ۱۳۷۹ش: ن ۳۱ و خ ۹۴).

خداوند، در آیات متعددی از قرآن، یگانه و یکتا معرفی شده است؛ **(هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ)** (حشر / ۲۲ و نیز ر.ک؛ نساء / ۱۷۱؛ آل عمران / ۶ و ۱۸؛ غافر / ۶۵؛ رعد / ۳۰؛ قصص / ۷۰ و ۸۸؛ بقره / ۲۲۵؛ توبه / ۱۲۹؛ انعام / ۱۰۲؛ انبیا / ۱۰۸؛ کهف / ۱۱۰؛ طه / ۹۸؛ فصلت / ۶؛ حدید / ۲۴؛ ممتحنه / ۶؛ لقمان / ۲۶ و حج / ۶۴).

آیاتی از قرآن بر پاک بودن خدا از وصف بشری و در ذهن نگنجیدن خدا اشاره دارند؛ **(مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَ لَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ)** (مؤمنون / ۹۱ و نیز ر.ک؛ انبیاء / ۲۲؛ صافات / ۱۸۰ و ۱۵۹؛ حشر / ۲۳؛ زخرف / ۸۲؛ انعام / ۱۰۰ و ۱۰۳ و نحل / ۳).

توصیفات مربوط به صفات خدا (الله) در قرآن

«الله» در صفات بی مثال است (عربی، ۱۴۲۶ق.، ج ۱: ۴۴۲)؛ دیده نمی شود و دیدگان او را درک نمی کند ولی او همه را می بیند و درک می نماید (رضی، ۱۳۷۹ش.، خ ۱۷۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۲: ۱۴۵)؛ ازلی و ابدی است؛ علم، قدرت، مالکیت، خالقیت از آن اوست؛ اراده و اقتدار و پادشاهی اش همه را دربر گرفته است (کلینی رازی، ۱۳۸۸ق.، ج ۱: ۱۰۷؛ محمدی ری شهری، بی تا، ج ۷: ۲۸۸)؛ در صفات، هیچ وجودی شبیه او نیست و همه صفات او خوب و سرمنشأ هر خوبی است (صحیفه کامله سجّادیه، ۱۳۷۶ش.، ذیل کیفیت دعای آن حضرت).

در آیات قرآن، خداوند به صفات اول و آخر، ظاهر و باطن به بندگان معرفی شده است؛ **(هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ)** (حدید / ۳؛ قصص / ۷۰؛ بقره / ۲۵۵؛ فرقان / ۵۸ و آل عمران / ۲).

در آیات دیگر، خداوند قدرت مطلق و شکست‌ناپذیر معرفی شده است؛ **(إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ)** (حدید/ ۲۵؛ توبه/ ۴۰؛ مجادله/ ۲۱، حج/ ۷۴؛ انفال/ ۵۲؛ بقره/ ۲۲۸؛ غافر/ ۲۲؛ رعد/ ۱۶؛ مائده/ ۱۷؛ عنکبوت/ ۲۰؛ طلاق/ ۱۲؛ انعام/ ۱۰۲؛ زمر/ ۶۲؛ احقاف/ ۳۳؛ اعراف/ ۵۴؛ یونس/ ۳؛ اسرا/ ۹۹ و ابراهیم/ ۳۲).

در آیاتی، خدا شنوا و بینا معرفی شده است؛ **(إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا)** (نساء/ ۵۸؛ مجادله/ ۱؛ حج/ ۶۱؛ حج/ ۷۵؛ لقمان/ ۲۸؛ غافر/ ۵۶ و...).

در آیاتی مالک آسمان‌ها، زمین و آفریننده هر چیزی است؛ **(وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ)** (مائده/ ۱۷؛ طلاق/ ۱۲؛ رعد/ ۱۶؛ بقره/ ۱۶۴ و...).

توصیفات مربوط به افعال خدا (الله) در قرآن

در افعال هیچ شباهتی بین او و هیچ وجود دیگری قابل تصور نیست (شوری: ۱۱؛ صحیفه کامله سجّادیه ۱۳۷۶ ش.، ذیل کیفیت دعای آن حضرت). در افعال بی‌مثال است (نحل/ ۱؛ عرابی، ۱۴۲۶ق.، ۱: ۴۴۲). یکتایی و بی‌همتایی در افعالش مشهود است (کهف/ ۱۱۰؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ق. ج ۷: ۲۳۹۵).

خدا در آیاتی روزی‌دهنده همه موجودات معرفی شده است؛ **(إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ)** (ذاریات/ ۵۸).

در آیاتی، بر همه چیز و از همه رموز آگاه است؛ **(وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا)** (طلاق/ ۱۲؛ بقره/ ۲۸۲؛ نساء/ ۱۲؛ توبه/ ۲۸؛ حجرات/ ۱۳؛ ممتحنه/ ۱۰ و...).

در آیاتی عذاب‌دهنده بدکرداران است؛ **(وَ أَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ)** (حجر/ ۵۰؛ بقره/ ۹۶؛ مریم/ ۷۵؛ بقره/ ۸۵ و...).

در آیاتی نعمت و رحمت دهنده نیکوکاران است؛ (وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ) (بقره / ۱۵۸؛ نساء / ۱۴۷؛ احزاب / ۳۵؛ آل عمران / ۱۴۵ و...).

در آیاتی درهمشکننده مستکبرین و گردن‌کشان است؛ (وَ إِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ) (طور / ۴۷؛ ملک / ۲۷؛ نحل / ۲۳ و...).

در آیاتی متوکل همه توکل‌کنندگان است؛ (فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) (آل عمران / ۱۵۹).

در آیاتی زنده‌کننده مردگان و میراننده زندگان است؛ (يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ) (روم / ۱۹).

مفهوم جامع خدا در اوستا، کتاب مقدس زردشتیان

در اوستا، خدا اهورمزده و در سنگ‌نبشته‌های هخامنشی انورمزده خوانده شده است (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ذیل واژه اهورامزدا). این واژه در فرهنگ معین به صورت اهورمزدا، هرمزد، اورمزد، هرمز، مرکب از اهورا به معنی سرور بزرگ و مزدا به معنی دانای کل، آمده است (معین، ۱۳۸۷ش، ذیل واژه اهورامزدا). در فرهنگ عمید، اهورامزدا در آیین زردشتی، وجودی است که صورت ظاهر ندارد و حیات‌بخش، یکتا، بی‌همتا، بزرگ و دانای مطلق و در یک کلمه، می‌توان گفت همان خداوند است (عمید، ۱۳۶۳ش، ذیل واژه اهورامزدا).

زرتشت، خدای خود را اهورامزدا به معنای خدای حکیم نامید. البته این نام‌گذاری اختراع خودش نبوده؛ بلکه اسم مزدا، در زمان او، معلوم و مشهور بوده است و اهورامزدا را همگی خدای عالم اخلاق و نظام طبیعت دانسته‌اند و همان خدایی است که آریایی‌های

هندوستان او را به نام وارونا می‌شناسند. عشیره و قبیله زرتشت سال‌ها قبل از او به این خدا معتقد بوده‌اند (ناس، ۱۳۵۴ ش.: ۳۰۵؛ قدیانی، ۱۳۸۱ ش.: ۱۰۳). برخی بر این عقیده‌اند که اهورامزدا احتمالاً نام دو خدای پیشین بوده و از تلفیق اهورا و مزدا پدید آمده و به معنی سرور داناست (ولی، ۱۳۷۲ ش.: ج ۳: ۱۴۰).

ذات خدا (اهورامزدا) در اوستا

در بررسی اوستا، خدا را پدر نامیده و یا برای خدا پسر قائل‌اند؛ «ای اهوره! چه کس به فرزانی پسر را دوستدار پدر کرد؟» (دوستخواه، ۱۳۷۰ ش.: پورداوود، ۱۳۸۱ ش.: ساسان‌فر، ۱۳۹۰ ش.: فرمین، ۲۰۱۲ م.: مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۹۲ ش.: گلدنر، ۱۳۸۱ ش.: یسنه، هات ۴۴، بند ۷)؛ «از اشته دریافتم که مزدا آفریدگار او و پدر منش نیک، کوشاست و آرمیتی دختر نیک‌کنش هموست» (همان، یسنه، هات ۴۵، بند ۴)؛ «ای آذر پسر اهوره‌مزدا» (همان، هات ۳، بند ۱۴؛ هات ۴، بند ۱۷؛ کرده شانزدهم، بند ۱).

با توجه به موارد فوق، برخی، همانند پروفیسور هنینگ، به ثنویت در دین زرتشت قائل شده‌اند (ولی، ۱۳۷۲ ش.: ج ۳: ۱۴۸)؛ از این نظرگاه، مذهب زرتشت، مذهب دوگانه‌پرستی است، مذهب «اهورا» و «اهریمن»، مذهب «انگرمئی‌نو» و «سپنتامئی‌نو» و دو ذات «خیر» و «شر» است؛ هر که و هر چه بد باشد، جزء «انگرمئی‌نو» است و اگر خوب باشد، جزء «سپنتامئی‌نو» و این هر دو ذات همواره، در نبردند. پس اعتقاد مذهب زرتشت به دوگانگی ذات در جهان است (مبلغی آبادانی، بی‌تا، ج ۱: ۱۶۵؛ قدیانی، ۱۳۸۱ ش.: ۱۰۳؛ شاله، ۱۳۴۶ ش.: ۲۱۰).

تئوری دیگر، مخلوق بودن اهورامزداست که با ثنویت نیز در ارتباط است. درباره اهورامزدا چنین نقل شده که اورمزدا و اهریمن هر دو مخلوق موجودی دیگر به نام زروان هستند. زروان به معنای زمان لایتنهای آمده است. زوران پدر اورمزداست و آن را از

شکمش به دنیا آورده و سپس خالقیت را به او بخشیده است (مبلغی آبادانی، بی تا، ج ۱: ۱۷۰؛ ولی، ۱۳۷۲ش، ج ۳: ۷۹).

صفات خدا (اهورامزدا) در اوستا

در مواردی، آفریدگاری و خالق کل بودن را از آن دو وجود دانسته‌اند؛ «ای مزدا! همانا می‌کوشم تا تو و سپندمینو را آفریدگار همه چیز بشناسم» (دوستخواه، ۱۳۷۰ش؛ پورداوود، ۱۳۸۱ش؛ ساسان‌فر، ۱۳۹۰ش؛ فرمین، ۲۰۱۲م؛ مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۹۲ش؛ گلندر، ۱۳۸۱ش: یسنه، هات ۴۴، بند ۷)؛ «به‌راستی شهریاری را از آن کسی شمريم و دانيم و برای کسی خواستاريم که بهتر شهریاری کند: مزدا اهوره و اردیبهشت» (همان، هات ۳۵، بند ۵).

در موارد دیگر، برای خدا در آفریدن و خلقت موجودات، شریک قائل‌اند؛ «ای امشاسپندان (ناس، ۱۳۵۴ش: ۳۰۷) آن‌چنان که ما را آفریدید، ما را در پناه خویش گیرید» (همان، هات ۵۸، بند ۵).

در موارد متعددی، ستایش و حمد را، که مخصوص ذات ازلی پروردگار است، برای موجودات متعدد دیگری ذکر نموده و برای اهورامزدا جسم قائل شده‌اند؛ «ای آذر اهوره‌مزدا! تو را نماز می‌گذاریم» (همان، هات ۵۸، بند ۷ و هات ۱۷، بند ۱۱)؛ «ای آذر اهوره‌مزدا! تو را ستایش و نیایش، پیشکشی دلخواه، پیشکشی دوستانه خواستارم، تویی برازنده ستایش و نیایش» (همان، هات ۶۲، بند ۱؛ هات ۱۶، بند ۴)؛ «خواستار ستایش اهوره و مهر، بزرگواران گزندناپذیر اشون و ستارگان آفریده سپندمینو و ستاره تشر را رایومند فره‌مند و ماه دربردارنده تخمه گاو و خورشید تیزاسب چشم اهوره‌مزدا و مهر شهریاری همه سرزمینانم» (همان، هات ۳، بند ۱۳). «ای مزدا اهوره! زیباترین پیکر را در

میان پیکرها از آن تو دانیم، آن بلندترین زبرین را که خورشیدش خوانند» (همان، هات ۳۶، بند ۶؛ هات ۵۸، بند ۸).

افعال خدا (اهورامزدا) در اوستا

اهورامزدا همان گونه، که در ذات و صفات، یکتا و بی همتا نیست، در افعال نیز بی شریک نیست؛ همان گونه که در ذات به همراه او، آذر، سپندمینو و همه آذران به عنوان خداوند شناخته شده‌اند، ایزدان مختلفی هم چون بهمن، اردیبهشت، مرداد و خرداد شناخته شده‌اند که در ذات هم چون اهورامزدا هستند و او را در افعالش یاری می‌نمایند (رضی، ۱۳۶۰ش: ۱۳؛ شاله، ۱۳۴۶: ۲۱۰).

ارزیابی و مقایسه

در کتاب آسمانی قرآن، الله در ذات یگانه است؛ ولی در اوستا اهورامزدا یگانه نیست و همزادی به نام اهریمن دارد. الله، در قرآن، زاده نشده؛ ولی اهورامزدا، در اوستا، از زروان زاییده شده است؛ الله، در قرآن، نمی‌زاید؛ ولی اهورامزدا، در اوستا، پسر دارد که اگر منظور ایشان خالقیت الهی باشد، کلمه پدر و پسر موجب توهم شرک خواهد شد و شایسته ذات اله نیست و اگر منظورشان همان پدر بودن یا پسر داشتن است که عین شرک است.

شاید، پرسشی پیش بیاید که در قرآن نیز ابلیس همانند اهریمن است؛ اما باید توجه داشت که دین زرتشت به این قائل است که دو ذات خالق جهان هستند، ذات اهورا که مذهب سپتامنی نو را به وجود آورده و ذات اهریمن که خالق انگرمنی نو است؛ دو ذاتی که برای بقای مذهب خود دائم در نبردند. این درحالی است که در قرآن فقط الله خالق است و هرگونه شریک در خالقیت از الله نفی شده (ر.ک؛ فرقان: ۲ و انعام: ۱۶۳).

درضمن، ابلیس، برای نبرد با الله، هیچ گونه توانایی ندارد و الله، در قرآن، بی‌منازع، قادر و تواناست، کسی را یارای نبرد و مقابله با او نیست و هر چه بخواهد می‌شود (ر.ک؛ اسراء: ۹۹ و احقاف: ۳۳).

در کتاب آسمانی قرآن، الله، در صفات، یگانه و بی‌همتا است و مسلمانان عمدتاً، به‌ویژه شیعیان به توحید صفاتی قائل هستند؛ اما در کتاب مقدس زرتشتیان برای اهورامزدا، در صفات، شریک قائل شده‌اند. در صفت وحدانیت برای او پسر و شریک در خلقت قائل شده‌اند که، از نظر قرآن، عین شرک است. در صفت حمدانیت، دیگران را، هم‌چون خدا، لایق ستایش و پرستش دانسته‌اند در حالی که، در قرآن، فقط الله لایق ستایش و پرستش است.

شاید، این گونه به‌نظر برسد که در قرآن نیز آیاتی مشابه موارد مذکور وجود داشته باشد؛ اما، در پاسخ، باید گفت، در قرآن، پادشاه و مالکیت ذیل آفریدگاری یک خالق است و الله خالق بی‌مثال و پادشاه بی‌رقیب و مالک همه عالم است (ر.ک؛ نساء/ ۱۳۱؛ حج/ ۶۵؛ کهف/ ۵۱ و حدید/ ۴).

در کتاب آسمانی قرآن، الله در افعال نیز یگانه و بی‌همتا است و مسلمانان عمدتاً، به‌ویژه شیعیان به توحید افعالی معتقد هستند؛ در حالی که در کتاب مقدس زرتشتیان، در افعال نیز برای اهورامزدا شریک قائل شده‌اند و ایزدان مختلفی هم‌چون بهمن، اردیبهشت، مرداد و خرداد، او را در افعالش یاری می‌نمایند. در خالقیت، علاوه بر اهورامزدا، سپندمینو، امشاسپندان و اردیبهشت نیز آفریدگار هستند؛ در حالی که، در قرآن، الله خالق تمام مخلوقات است.

در این مورد، ممکن است چنین به‌نظر برسد که در قرآن نیز موارد این‌چنینی نقل شده است؛ آنجا که کارها به فرشتگان و دیگر موجودات نسبت داده شده و یا از ضمیر و فعل

جمع و مع‌الغیر استفاده شده است. در پاسخ باید گفت در تعریف امشاسپندان، که در متن کتاب مقدس زرتشتیان آمده، آن را صفات اهورامزدا می‌دانند که هر کدام خدایی جداگانه‌اند و دخل و تصرفی جدای از ذات اهورامزدا بر موجودات دارند (یامااوجی، ۱۳۹۰ش: ۴۹۶)، این در حالی است که در قرآن، خداوند، در خلقت، لاشریک خوانده شده و آفریدن موجودات فقط به او بازمی‌گردد و او کسی است که هفت آسمان و هفت زمین را آفریده و بر هر چیزی تواناست و دانشش هر چیزی را دربر گرفته است (طلاق/ ۱۲).

۳) مفهوم جامع خدا در تورات، کتاب مقدس یهودیان

نام خدای یهودیان، در تورات، به زبان عبری، یهوه است (عمید، ۱۳۶۳ش،، ذیل واژه یهوه). در تورات درباره نام یهوه چنین آمده است: «و خدا به موسی متکلم شده به او گفت که خداوند منم و به ابراهیم و اسحاق و یعقوب به اسم خدای قدیر (الشادای) نمودار گشتم؛ اما به اسم خود یهوه به ایشان معروف نشدم» (گلن، ۱۳۷۹ش: ۱۱۱). البته یهوه از آغاز نام خدای مطلق قوم موسی نبود، بلکه، پیش از زمان وی، بنی‌اسرائیل او را در رأس سه گروه نیمه‌خدایان: کروبیون (ابرها)، صرافیون (مارهای بال‌دار) و الاهیون (خدایان گله‌های ابری) می‌دانستند (دهخدا، ۱۳۷۷ش،، ذیل واژه یهوه). به‌مرور زمان، یهود خدای یهوه را به‌جای بعل، مالکک و مؤثر در مزارع و بساتین دانسته‌اند و بالأخره خدای موسی را به‌جای بعل قرار دادند و یهوه را برای خدای موسی به‌کار بردند (ناس، ۱۳۵۴ش: ۳۳۹). یهوه، از نظر معنی، به لفظ اهیه (به‌معنای هستم آن که هستم) شباهت دارد که غالباً به رب (ادونای) ترجمه می‌شود (هاکس، ۱۳۸۲: ۹۸۶)؛ و اسمی است که بر سرمدیت آن ذات مقدس دلالت دارد (معین، ۱۳۸۷ش،، ذیل واژه یهوه).

ذات خدا (یهوه) در تورات

در اولین فرمان از ده فرمان، وجود خدایان دیگر غیر از یهوه انکار نشده است؛ اما عبرانیان از پرستش آن منع شده‌اند (اهیوم، ۱۳۸۶ ش.؛ سفر خروج، باب بیستم، بخش ۳؛ سفر تثییه، باب پنجم، بخش ۷).

در عهد عتیق، برای خدا پسرانی ذکر شده است که با دختران انسان ازدواج نموده‌اند: «پس از آن که پسران خدا و دختران انسان‌ها با هم وصلت نمودند، مردانی غول‌آسا از آنها به وجود آمد» (کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۹۰۱ م.؛ کتاب پیدایش، بخش طوفان نوح؛ سفر توریة مثنی، فصل چهاردهم)؛ «شما پسران خداوند، خدای خود هستید و برای اموات، خویشان را متراشید» (همان: سفر توریة مثنی، فصل چهاردهم).

در مواردی خدا را شبیه انسان می‌داند: «زمانی که خداوند خواست انسان را بیافریند، او را شبیه خود آفرید»؛ «کشتن انسان جایز نیست چرا که شبیه خداوند آفریده شده است؛ خدا گفت که انسان را به صورت خود، موافق مشابهت خود بسازیم تا به ماهیان دریا و به مرغان هوا و به دوآب و به تمامی زمین و به تمامی حشراتی که بر روی زمین می‌جنبند سلطنت نماید، پس خدا آدم را به صورت خود آفرید» (گلن، ۱۳۷۹ ش.؛ دارالسلطنه لندن، ۱۹۲۰ م.؛ کتاب مقدس، بی‌تا؛ پوردوود، ۱۳۶۴ ش.؛ کتاب المقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۳۶۵ ش.؛ عهد عتیق و عهد جدید، ۱۹۸۰ م.؛ کتاب مقدس ترجمه قدیم، ۱۳۸۴ ش.؛ کتاب مقدس، ۱۳۷۹ ش.؛ گلن، ۱۸۵۶ م.؛ کتاب مقدس فارسی، ۱۳۶۲ ش.؛ کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۹۰۱ م.؛ کتاب پیدایش، بخش آدم تا نوح؛ کتاب پیدایش، بخش عهد خدا با نوح؛ کتاب آفرینش، داستان آفرینش).

صفات خدا (یهوه) در تورات

یهوه، در دین یهود، جسم روحانی و اعضایی شبیه اعضای انسان دارد و از چشم و گوش و قلب و دست و امیال گوناگون برخوردار است (شاله، ۱۳۴۶ش: ۳۰۶).

حرکت روح خدا روی توده‌ای از ابر: «در آغاز، هنگامی که خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید، زمین خالی و بی‌شکل بود و روح خدا روی توده‌های تاریک بخار حرکت می‌کرد» (کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۹۰۱م: کتاب پیدایش، داستان آفرینش).

نازل شدن خدا در توده‌ای از ابر: «خداوند در ابر نازل شده در آنجا با او ایستاد و به اسم خداوند ندا کرد» (همان: سفر خروج، فصل سی و چهارم)؛ «روزی مریم و هارون موسی را به علت اینکه زن حبشی گرفته بود سرزنش کردند. آن‌ها گفتند آیا خداوند فقط به وسیله موسی سخن گفته است؟ مگر او به وسیله ما نیز سخن نگفته است؟ خداوند سخنان ایشان را شنید و فوراً موسی و هارون و مریم را به خیمه عبادت فراخوانده و فرمود: هر سه نفر شما به اینجا بیایید. پس ایشان در حضور خداوند ایستادند. آنگاه خداوند در ستون ابر نازل شده در کنار در عبادتگاه ایستاد» (همان: کتاب اعداد، بخش تنبیه مریم).

نازل شدن خدا بر کوه در تنوره‌ای از دود: «موسی قوم را برای ملاقات خدا از اردو بیرون آورد و در پایین کوه ایستادند و تمامی کوه سینا را دود فراگرفت به سبب این که خداوند در آتش بر آن نزول نمود و دودش مثل تنور متصاعد بود و تمامی کوه به غایت متزلزل شد» (همان: سفر خروج، فصل نوزدهم).

در مواردی، نفس خدا را از آتش دانسته‌اند و گفته‌اند دود غلیظی خدا را احاطه کرده است: «نفس دهان خداوند مانند سیل خروشان است که هر چه سر راهش باشد، با خود می‌برد» (همان، کتاب اشعیا، بخش مجازات آشور).

هیكل داشتن خدا: «در سال ششم ... دست خداوند خدا در آنجا بر من مؤثر شد و ملاحظه کرده اینک شکلی به نمایش آتش ظاهر از نمایش کمرش تا به پایین آتشی و از کمرش تا به بالا مثل نمایش ضیایی مانند عین کهربا و شبیه دست را دراز کرده مرا از ناصیه^۱ سرم گرفت و روح مرا به میان زمین و آسمان برداشت» (همان، کتاب حزقیل، فصل هشتم؛ کتاب پیدایش، داستان آفرینش؛ سفر خروج، فصل نوزدهم؛ سفر خروج، فصل سی و چهارم و...)؛ «اکنون از این روز و بعد از روز بیست و چهارم ماه نهم دل خود را مشغول سازید؛ یعنی از روزی که بنیان هیكل خداوند گذاشته می‌شود» (همان، کتاب حگی، فصل دوم).

در مورد دیگری، که بسیار نادر است، گفته شده یعقوب با شخصی کشتی گرفت و در اثر مقاومت در برابر او به اسرائیل یعنی شکست‌ناپذیر ملقب شد. پس از ماجرا، یعقوب متوجه می‌شود که او خدا بوده است (همان، کتاب پیدایش، بخش روبه‌رو شدن یعقوب با عیسو).

افعال خدا (یهوه) در تورات

در کتاب مقدس یهودیان، افعال انسانی، مانند پایین رفتن، ماندن، رفتن، برخاستن، نزول کردن، راه رفتن و ظاهر شدن به یهوه نسبت داده شده است.

پایین رفتن و ماندن: در بخش شفاعت ابراهیم برای سدوم آمده است: «پس خدا به ابراهیم فرمود به پایین می‌روم تا به فریادی که به گوش من رسیده است رسیدگی کنم. آنگاه دو نفر از نزد ابراهیم رفتند و خداوند نزد ابراهیم ماند» (گلن، ۱۳۷۹ ش.؛ دارالسلطنه لندن، ۱۹۲۰ م.؛ کتاب مقدس، بی‌تا؛ پورداوود، ۱۳۶۴ ش.؛ کتاب المقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۳۶۵ ش.؛ عهد عتیق و عهد جدید، ۱۹۸۰ م.؛ کتاب مقدس، ۱۳۸۴ ش.، ترجمه قدیم؛ کتاب مقدس، ۱۳۷۹ ش.؛ گلن، ۱۸۵۶ م.؛ کتاب مقدس فارسی، ۱۳۶۲ ش.؛ کتاب

مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۹۰۱م: کتاب پیدایش، بخش شفاعت ابراهیم برای سدوم).

رفتن: «آنگاه خدا از سخن گفتن با ابراهیم بازایستاد و از نزد او رفت» (همان: کتاب پیدایش، بخش وعده تولد اسحاق)؛ «خداوند پس از پایان گفت‌وگو با ابراهیم از آنجا رفت» (همان، کتاب پیدایش، بخش شفاعت ابراهیم برای سدوم).

برخاستن: «اما خداوند می‌فرماید: برمی‌خیزم و قدرت و توانایی خود را به شما نشان می‌دهم» (همان: کتاب اشعیا، بخش مجازات آشور)؛ «خداوند را دیدم که بر مذبح می‌ایستد و فرمود که سر در را بزن تا آنکه پاشنه‌هایش بلرزد» (همان، کتاب عاموص، فصل نهم).

نزول کردن: «پس خداوند به موسی فرمود: هفتاد نفر از رهبران قوم اسرائیل را به نزد من بخوان آنها را به خیمه عبادت بیاور تا در آنجا با تو بایستند. من نزول کرده و در آنجا با تو سخن خواهم گفتم» (همان، کتاب اعداد، بخش انتخاب هفتاد رهبر).

راه رفتن: «عصر همان روز آدم و زنش صدای خداوند را، که در باغ راه می‌رفت، شنیدند» (همان، کتاب پیدایش، بخش سقوط انسان).

ظاهر شدن: «وقتی ابراهیم نودونه ساله شد، خداوند بر او ظاهر شد» (همان: کتاب پیدایش، بخش وعده تولد اسحاق)؛ «هنگامی که ابراهیم در بلوطستان ممری سکونت داشت، خداوند بار دیگر بر او ظاهر شد» (همان، کتاب پیدایش، بخش وعده تولد اسحاق).

ارزیابی و مقایسه

یهوه، خدای یهود در تورات، در ذات یکتا نیست و انسان شبیه او و او شبیه انسان است؛ در حالی که در قرآن چیزی مانند الله نیست (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ) (شوری / ۱۱). در تورات، یهوه فرزندان پسر دارد؛ در حالی که در قرآن، الله نه زاده شده و نه می‌زاید (لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ) (توحید / ۳) و حتی یهودیان را به خاطر این که گفتند عزیر پسر خداست، توبیخ نموده و در زمره کافران جای داده است (توبه / ۳۰). در تورات و ده فرمان، وجود خدایان دیگر انکار نشده است و این به معنای وجود خدایان دیگر در ردیف یهوه است؛ در حالی که الله، در قرآن، هیچ شریکی ندارد. یهوه، در دین یهود، جسم روحانی و اعضایی شبیه اعضای انسان دارد و از اعضا و امیال گوناگون برخوردار است؛ در حالی که الله، در قرآن، از چیزهایی که اینان وصف می‌کنند، منزه است (سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ) (صافات / ۱۵۹).

مفهوم جامع خدا در انجیل، کتاب مقدس مسیحیان

در انجیل، خدا معمولاً به عنوان "پدر" یا "پدر آسمانی" یا "خدای پدر" شناخته می‌شود؛ چنان که نوشته‌اند: «پدر خود را که در خفاست نماز بگذار و پدر تو که نهان را می‌بیند تو را آشکارا جزا می‌دهد» (گلن، ۱۳۷۹ ش؛ دارالسلطنه لندن، ۱۹۲۰ م؛ کتاب مقدس، بی تا؛ کتاب المقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۳۶۵ ش؛ عهد عتیق و عهد جدید، ۱۹۸۰ م؛ کتاب مقدس، ترجمه قدیم ۱۳۸۴ ش؛ کتاب مقدس، ۱۳۷۹ ش؛ گلن، ۱۸۵۶ م؛ کتاب مقدس فارسی، ۱۳۶۲ ش؛ کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۹۰۱ م؛ حسینی خاتون آبادی، ۱۳۷۴ ش؛ سیار، ۱۳۸۷ ش؛ انجیل متی، باب ششم: ۱۱).

ذات خدا (پدر) در انجیل

گاهی از خدا به عنوان "خدای پدر" یاد شده است؛ در نامه اول پطرس آمده است: «ای عزیزان، خدای پدر از مدت‌ها پیش شما را برگزید. سپاس بر خدا باد، بر خدا که پدر خداوند ما عیسی مسیح است» (همان، نامه اول پطرس، آزمایش ایمان)؛ «من پدر او هستم و او پسر من است» (همان: نامه‌ای به مسیحیان یهودی نژاد، برتری مسیح به فرشتگان)؛ «هر که بگوید عیسی همان مسیح نیست، دروغگوست و این همان دجال است؛ زیرا نه به خدای پدر ایمان دارد و نه به فرزند خدا، کسی که به عیسی مسیح فرزند خدا ایمان نداشته باشد، امکان ندارد خدای پدر را بشناسد» (همان، نامه اول یوحنا، بخش خدا نور است).

گاهی از خدا به عنوان "پدرم خدا" یاد شده است: «هر که مرا خداوند خداوند گوید، در ملکوت آسمان داخل خواهد شد؛ بلکه آن کس که اراده پدرم را که در آسمان است به عمل آورد» (همان، انجیل متی، باب هشتم)؛ «عیسی جواب داده و فرمود خوشا حال توای شمعون بریونا زانرو که جسم و خون این را بر تو ظاهر نساخت؛ بلکه پدر من که در آسمان است ظاهر نمود» (همان، انجیل متی، باب ششم)؛ «عیسی گفت از شهر اورشلیم بیرون نروید، بلکه منتظر روح القدس باشید؛ زیرا او همان هدیه‌ای است که پدرم خدا وعده‌اش را داده است» (همان، اعمال رسولان مسیح، سخنان آخر عیسی قبل از صعود به آسمان).

گاهی از خدا به عنوان "پدرمان خدا" و تعبیری از این دست یاد شده است: «از درگاه پدرمان خدا و خداوندمان عیسی مسیح طالب رحمت و آسایش برای شما هستیم» (همان: نامه اول پولس به مسیحیان تسالونیکي)؛ «ما همیشه خدا را برای وجود شما شکر می‌کنیم؛ در حضور پدرمان خدا اعمال پرمهر، ایمان استوار و امید راسخی را که به بازگشت خداوند ما عیسی مسیح دارید، به یاد می‌آوریم» (همان، نامه اول پولس به مسیحیان

تسالونیک، بخش شهرت ایمان تسالونیکیان)؛ «از درگاه پدرمان خدا و خداوندمان عیسی مسیح طالب فیض و رحمت و آسایش برای تو هستم» (همان، نامه اول پولس به تیموتائوس)؛ «از درگاه پدرمان خدا و خداوندمان عیسی مسیح برای شما خواهان رحمت و آرامش می‌باشم» (همان، نامه دوم پولس به مسیحیان قرنتس).

عبارات متعددی نیز در انجیل وجود دارد که بر پسر خدا بودن حضرت مسیح (ع) تصریح دارد: «آنگاه شمعون پطرس جواب داده گفت تویی مسیح پسر خدای حی و عیسی جواب داده و فرمود خوشا حال توای شمعون بریونا» (همان: انجیل متی، باب ششم)؛ «آغاز بشارت عیسی مسیح فرزند خدا» (همان: انجیل مرقس، باب اول)؛ «گبرئیل نزد مریم آمده و گفت اینک تو آبتن خواهی شد و پسری خواهی زائید و او را عیسی خواهی نامید و او شخص بزرگی خواهد بود و فرزند خدای تعالی خوانده خواهد شد» (همان: انجیل لوقا، باب اول)؛ «این چیزها نگارش یافته تا که باور کنید که عیسی به‌درستی مسیح پسر خداست» (همان: انجیل یوحنا، باب بیست و یکم)؛ «خون عیسی فرزند خدا ما را از هر گناهی پاک می‌سازد» (همان: نامه اول یوحنا، بخش خدا نور است)؛ «آنچه خدا از ما انتظار دارد این است که به فرزند او عیسی مسیح ایمان داشته باشیم» (همان: نامه اول یوحنا، بخش محبت در عمل).

در موارد متعددی از قول برخی حواریون، از عیسی (ع) با عنوان "خداوند" یاد شده است: «اکنون نیز آماده و چشم به راه بازگشت خداوند ما عیسی مسیح باشید» (همان: نامه اول پولس به مسیحیان قرنتس، بخش حکمت و افکار خدا)؛ «او همان خدایی است که شما را دعوت نموده تا با فرزندش عیسی مسیح، خداوند ما دوستی و اتحاد روحانی داشته باشید» (همان: نامه اول پولس به مسیحیان قرنتس، بخش حکمت و افکار خدا)؛ «به نام عیسی مسیح خداوند» (همان: نامه دوم پولس به مسیحیان قرنتس، بخش ظهور مرد خبیث پیش از عیسی مسیح).

پیروان اولیه حضرت مسیح^(ع) هم چون پولس بر این عقیده بودند که روح الهی در پیکر بشری عیسی ظهور پیدا نموده، و بدین وسیله، قدرت مطلق خود را به بشر می‌نمایاند (ناس، ۱۳۵۴ش: ۴۱۳)

شاید همین تعابیر و تعابیر دیگری مانند این تعبیر که می‌گوید «مسیح چهره دیدنی خدای نادیده بود؛ او فرزند خداست و بر تمام موجودات برتری دارد» (همان: نامه پولس به مسیحیان کولسی، مسیح که بود؟)، موجب شده تا در دوره‌های اخیر، برخی مسیحیان، حضرت مسیح^(ع) را خدای حقیقی و واقعی بپندارند. شواهدی از انجیل نیز در دست است که کسانی حضرت مسیح^(ع) را، در عین حال که فرزند خدا می‌دانسته‌اند، سجده نموده‌اند: «پس آنانی که در کشتی بودند آمده و عیسی را سجده نموده و گفتند که درحقیقت، فرزند خدا هستی» (همان: انجیل متی، باب پانزدهم).

از عبارات فوق این گونه به دست می‌آید که گویا در مسیحیت دو خدا وجود دارد؛ یکی خدای پدر و یکی خدای پسر.

حتی در برخی موارد از سه خدا نام برده شده است؛ پدر، پسر، روح القدس: «عیسی پیش آمده و به آنها تکلم فرموده گفت که تمامی قدرت در آسمان و زمین به من عطا شده است لهذا بروید و تمامی قبایل را از شاگردان جمع نمایید و آنها را به اسم پدر و پسر و روح القدس غسل تعمید دهید» (همان: انجیل متی، باب بیست و هشتم).

برخی معتقدند، درواقع، سه خدا، در انجیل، دارای ذات یگانه‌اند و خدا در روح القدس و مسیح حلول نموده است و روح القدس و مسیح نیز خدا هستند. پدر نه مخلوق است و نه زائیده شده؛ ولی پسر از خدا زائیده شده، روح القدس از پدر و پسر پدید آمده است (شاله، ۱۳۴۶ش: ۴۳۵).

در باور ارتودوکس‌ها، روح‌القدس ناشی از پدر است و در باور کاتولیک‌ها روح‌القدس ناشی از پسر است (مبلغی آبادانی، بی‌تا، ج ۲: ۱۷۰).

افراد متعددی درصدد تعریف یگانه‌ای از مفهوم خدا بوده‌اند چنان‌که یوستینوس (م. ۱۶۵) گفته است: خدای خالق با فرستادن فرزند خود، که همان لوگوس یا کلمه است و از لحاظ تصور و مفهوم، با او یکی، ولی از نظر عددی و ذات، غیر اوست، خود را برای آدمیان شناساند. به نظر یوستینوس، روح‌القدس نیرویی از طرف خدا، وحی و الهام‌کننده به انبیا و پشتیبان کلیسا در انجام مأموریت‌های آن است. در اواخر قرن دوم، مونارکیانیست‌ها، ضمن تأکید بر وحدت عددی خداوند، هرگونه بیان ناسازگار با این امر را رد کرده و برای خدشه‌دار نشدن یگانگی خداوند، دو دیدگاه را درباره حضرت مسیح^(ع) پذیرفتند. گروهی از آنان، نظریه فرزندخواندگی پدران رسول را ادامه دادند و معتقد شدند که مسیح یک انسان بود، ولی به سبب مطیع و صالح بودن، روح و کلمه خداوند در وی ساکن شد. آنان به اندازه‌ای بر توحید خداوند تأکید داشتند که نیایش برای عیسی^(ع) و دعا و درخواست از درگاه او را رد می‌کردند. گروهی دیگر، موسوم به مونارکیانیست‌های مُدالیسم (بین ۱۸۰- ۲۴۰ م.)، در تلاش برای بیانی وحدت‌گرایانه از الوهیت مسیح^(ع) با استناد به بخش‌هایی از کتاب مقدس، خود خدای پدر را تجسد یافته در عیسی ناصری و مصلوب شده خواندند. مونارکیانیست‌ها در جواب مونارکیانیست‌های مُدالیسم به دلیل خدشه‌دار شدن وحدت الهی دیدگاه «وجهی» را ارائه دادند؛ در این دیدگاه آمده است که خداوند، یگانه است، ولی به سه صورت ظاهر شده است: در عهد قدیم به صورت «پدر»، در زمان عیسی به صورت «پسر» و هنگام صلیب رفتن به صورت «روح‌القدس»؛ بنابراین، هرگز سه شخص وجود ندارد، بلکه یک شخص به سه صورت ظاهر شده است (اسدی، ۱۳۸۹ش: ۳۵-۵۶).

در نهایت، مفهوم اصلی تثلیث در رأی شورای نیقیه (۳۲۵ م.) مشخص شد. این رأی که به عنوان اعتقادنامه پذیرفته شد، چنین می گوید: «ما ایمان داریم به خدای واحد، پدر قادر مطلق و خالق همه چیزهای مرئی و نامرئی و به خداوند واحد، عیسی مسیح پسر خدا، مولود از پدر، یگانه مولود که از ذات پدر است، خدا از خدا، نور از نور، خدای حقیقی از خدای حقیقی، که مولود است نه مخلوق، از یک ذات با پدر، به وسیله او همه چیز وجود یافت. آنچه در آسمان است و آنچه بر زمین است و او به خاطر ما آدمیان و برای نجات ما نزول کرد و مجسم شده و انسان گردید و زحمت کشید و روز سوم برخاست و به آسمان صعود کرد و خواهد آمد تا زندگان و مردگان را داوری نماید و (ایمان داریم) به روح القدس و کلیسای جامع رسولان...» (میلر، ۱۹۳۱ م.: ۲۴۲؛ اسدی، ۱۳۸۹ ش.: ۳۵ - ۵۶؛ برانتل، ۱۳۸۴ ش.: ۴۰ و ۴۱).

صفات خدا (پدر) در انجیل

در انجیل تعبیری وجود دارد که بیانگر این است که حضرت مسیح^(ع) در برخی اوصاف، مثل ازلی و غیرمخلوق بودن همانند خداست: «این مطالب را برای شما می نویسم؛ زیرا که مسیح را که از ازل بوده است، می شناسید» (همان: نامه اول یوحنا، بخش خدا نور است)؛ «پیش از آن که چیزی به وجود آید او وجود داشت» (همان: نامه پولس به مسیحیان کولسی، مسیح که بود؟).

عبارات پایانی رأی شورای نیقیه نیز دال بر چنین عقیده ای در میان مسیحیان است: «و لعنت باد بر کسانی که می گویند زمانی بود که او وجود نداشت و یا آن که پیش از آن که وجود یابد نبود، یا آن که از نیستی به وجود آمد و بر کسانی که اقرار می کنند، وی از ذات یا جنس دیگری است...» (میلر، ۱۹۳۱ م.: ۲۴۲؛ اسدی، ۱۳۸۹ ش.: ۳۵ - ۵۶؛ برانتل، ۱۳۸۴ ش.: ۴۰ و ۴۱).

در انجیل، تعابیر دیگری وجود دارد که بیانگر این است که خدا در برخی اوصاف، مثل دست داشتن، همانند انسان‌هاست: «بعد از تکلم خداوند با ایشان به آسمان صعود نموده بر دست راست خدا بنشست» (گلن، ۱۳۷۹م؛ دارالسلطنه لندن، ۱۹۲۰م؛ کتاب مقدس، بی‌تا؛ کتاب‌المقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۳۶۵ش؛ عهد عتیق و عهد جدید، ۱۹۸۰م؛ کتاب مقدس، ترجمه قدیم، ۱۳۸۴ش؛ کتاب مقدس، ۱۳۷۹ش؛ گلن، ۱۸۵۶م؛ کتاب مقدس فارسی، ۱۳۶۲ش؛ کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۹۰۱م؛ حسینی خاتون‌آبادی، ۱۳۷۴ش؛ سیار، ۱۳۸۷ش.، انجیل مرقس، باب شانزدهم)؛ «اکنون مسیح در آسمان است و در مقامی رفیع در دست راست خدا نشسته است» (کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید، ۱۹۰۱م. نامه اول پطرس، آزمایش ایمان).

افعال خدا (پدر) در انجیل

در انجیل، شواهدی وجود دارد که گویا فرمانروایی و پادشاهی مطلق عالم از خدا (پدر) سلب شده و به حضرت عیسی^(ع) (پسر) تفویض شده است و اوست که زنده می‌کند، روزی می‌دهد، خلق می‌کند و نگه می‌دارد: «پدر بر هیچ کس حکمرانی نمی‌کند؛ بلکه تمام حکمرانی را به پسر داده است» (همان: انجیل یوحنا، باب پنجم)؛ «عیسی پیش آمده و به آنها تکلم فرموده گفت که تمامی قدرت در آسمان و زمین به من عطا شده است» (همان: انجیل متی، باب بیست‌وهشتم)؛ «درواقع، تمام هستی به وسیله عیسی مسیح به وجود آمده است؛ یعنی هر آنچه در آسمان و زمین است، دیدنی و نادیدنی، عالم روحانی با فرمانروایان و تاج و تخت ایشان و فرماندهان و بزرگان‌شان همه به وسیله مسیح و برای جلال او آفریده شده‌اند و قدرت اوست که عالم هستی را حفظ می‌نماید» (همان: نامه پولس به مسیحیان کولسی، مسیح که بود؟).

ارزیابی و مقایسه

علی‌رغم وجود شواهد متعددی در انجیل مبنی بر انحصار خدا در پدر، شواهدی نیز وجود دارد که از آنها ثنویت و تثلیث فهمیده می‌شود؛ یعنی سه خدا وجود دارد؛ پدر، پسر و روح القدس. بسیاری از مسیحیان نیز بر این امر تصریح نموده‌اند و تلاش برخی مسیحیان برای توجیه این مسئله و قول به یکی بودن این سه خدا در ذات واحد نیز راه به جایی نبرده است؛ چراکه همان‌گونه که قرآن کریم بیان داشته، قول به تثلیث کفر محض است (توبه: ۳۰). این در حالی است که در قرآن در آیات متعددی به یگانگی و یکتایی الله و نفی هرگونه شرک در ذات تصریح شده است. در انجیل آمده است که عیسی مسیح^(ع) در خالقیت، مالکیت، ازلیت و ابدیت، فرمانروایی و... شریک خداوند است و نیز این امور تماماً از جانب خدای پدر به خدای پسر تفویض شده و خدای پدر از این امور کناره گرفته است؛ درحالی که قرآن با چنین عقایدی مخالف است و صفات خداوند را، اولاً و بالذات و حقیقتاً، فقط برای ذات باری تعالی قائل است و اگر پیامبری مرده‌ای را زنده می‌کرده و یا بیماری را شفا می‌داده است و... همه را از جانب خداوند می‌دانسته است به گونه‌ای که اگر خداوند نمی‌خواست، آن پیامبر هرگز نمی‌توانست چنین عملی را انجام دهد و هیچ کسی را شایسته نیست که در صفات باری تعالی، که عین ذاتش است، شریک او شود.

نتیجه‌گیری

با بررسی تطبیقی آموزه‌های موجود در کتب مقدس ادیان الهی، روشن شد که هرچند عناوین مختلف حکایت‌گر مفهوم خدا در کتب مقدس ادیان الهی - اهورامزدا، یهوه، پدر آسمانی و الله، همگی به یک حقیقت اشاره دارند و همه بیانگر مفهوم جامع خدا در

آن دین هستند؛ اما در کتب مقدس سایر ادیان الهی، از حیث توصیف ذات، صفات و افعال خدا، نقاط افتراق زیادی با قرآن وجود دارد:

- در کتب ادیان زرتشتی، یهودی و مسیحی برای خداوند، در ذات، شریک قائل شده‌اند در حالی که، در قرآن، ذات خداوند، یگانه و بی‌همتاست.
- در کتب ادیان زرتشتی، یهودی و مسیحی صفات خدا محدود است و برایش شریک قائل شده‌اند و صفات او را به انسان نسبت داده و انسان را شریک برخی از صفات او دانسته‌اند و بالعکس، صفات انسان و سایر مخلوقات را به خدا نسبت داده‌اند؛ در حالی که، در قرآن، خدا در صفات نیز بی‌همتا و بی‌شریک است.
- در کتب ادیان زرتشتی، یهودی و مسیحی افعال خدا نیز دارای محدودیت است و افعال او تا سطح افعال بشری تنزل یافته؛ اما در قرآن، علاوه بر اذعان بر وحدانیت و یکتایی خدا در ذات و صفات، بر یکتایی و یگانگی خدا در افعال نیز در آیات متعدد اشاره و تأکید شده و افعال خداوند فراتر از افعال انسان و موجودات محدود برشمرده شده است.

پی‌نوشت

^۱ تشر، در اساطیر ایرانی و دین مزداپرستی، ایزد باران و یکی از مهم‌ترین ایزدان است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

علی بن الحسین (ع). (۱۳۷۶ش.). *صحیفه کامله سجادیه با ترجمه فارسی*. ترجمه محسن غروی‌ان و عبدالجواد ابراهیمی فر. قم: الهادی.

- اخوان نبوی، قاسم. (۱۳۸۹ش.). «بررسی تطبیقی چستی مفهوم خدا از دیدگاه ابن سینا و ملاصدرا». *دوفصلنامه علمی - پژوهشی حکمت معاصر*. مقاله ۲، دوره ۱، شماره ۲.
- آزهری، محمدبن احمد. (۱۴۲۱ق.). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- آسدی، علی. (پاییز ۱۳۸۹ش.). *خدای سه گانه؛ سیر پیدایش و تحول عقیده تثلیث و نگرش انتقادی قرآن کریم به آن*. معرفت ادیان، سال اول، شماره چهارم.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ق.). *تفسیر القرآن العظیم*. ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن درید، محمدبن حسن. (۱۹۸۸م.). *جمهره اللغة*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ابن فارس، احمدبن فارس. (۱۴۰۴ق.). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمدابن مکرم. (بی تا). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- اسماعیل صینی، محمود. (۱۴۱۴ق.). *المکنز العربی المعاصر*. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- برانتل، جورج. (۱۳۸۴ش.). *آیین کاتولیک*. حسن قنبری. قم: مرکز ادیان و مذاهب.
- بستانی، فؤاد افرام. (۱۳۷۵ش.). *فرهنگ ابجدی*. تهران: اسلامی.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۸۱ش.). *یادداشت های گات ها*. تهران: اساطیر.
- پورداوود، ماشاءالله رحمان و موسی زرگری. (۱۳۶۴ش.). *تورات با ترجمه فارسی کتاب مقدس عهد عتیق تورات*. تهران: انجمن فرهنگی او تصرهتورا: گنج دانش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق.). *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حسینی خاتون آبادی، محمدباقر بن اسماعیل. (۱۳۷۴ش.). *ترجمه اناجیل اربعه*. به کوشش رسول جعفریان. تهران: نقطه.

- حسینی، سیده زهرا و قراملکی احد فرامرز. (بهار ۱۳۹۶ش.). «خدا از مفهوم تا مدل‌های معرفتی». *مجله علمی دانشگاه تهران*. مقاله ۲، دوره ۱۴، شماره ۱.
- دارالسلطنه لندن. (۱۹۲۰م.). *کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید ترجمه زبان اصلی عبرانی کلدانی و یونانی*. لندن: دارالسلطنه لندن.
- دغیم، سمیح. (۲۰۰۴م.). *موسوعه مصطلحات صدرالدین الشیرازی*. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. (۱۳۷۴ش.). *پژوهش‌های قرآنی تکنه‌هایی تفسیری در سوره حمد*. مشهد: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- دوستخواه، جلیل. (۱۳۷۰ش.). *اوستا (کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی)*. تهران: مروارید.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷ش.). *نعت‌نامه دهخدا*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴ش.). *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*. تهران: مرتضوی.
- رضی، محمدبن حسین شریف. (۱۳۷۹ش.). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. قم: مشهور.
- رضی، هاشم. (۱۳۶۰ش.). *ادیان بزرگ جهان*. تهران: فروهر.
- زمخشری، محمودبن عمر. (بی‌تا). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دارالکتاب العربی.
- ساسان‌فر، آبتین. (۱۳۹۰ش.). *اوستای کهن*. تهران: بهجت.
- سیار، پیروز. (۱۳۸۷). *عهد جدید براساس کتاب مقدس اورشلیم*. تهران: نی.
- شاله، فیلیسین. (۱۳۴۶ش.). *تاریخ مختصر ادیان بزرگ*. مترجم منوچهر خدایامحبی. تهران: دانشگاه تهران.

- شنکایی، مرضیه. (۱۳۸۱ش.). *بررسی تطبیقی اسمای الهی*. تهران: سروش.
- صاحب، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ق.). *المحیط فی اللغة*. بیروت: عالم الکتب.
- طبرسی، فضل بن حسن. (بی تا). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بی جا: دارالمعرفة.
- طبری، ابن جریر. (بی تا). *تفسیر الطبری جامع البیان*. بی جا
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عربی، محمد غازی. (۱۴۲۶ق.). *التفسیر الصوفی الفلسفی للقرآن الکریم*. دمشق: دارالبشائر.
- عمید، حسن. (۱۳۶۳ش.). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- عهد عتیق و عهد جدید، کتاب مقدس*. (۱۹۸۰م.). بی جا: انجمن پخش کتب مقدسه.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (بی تا). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق.). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
- فرمین، نیما و فرامرز دادرسی. (۲۰۱۲م.). *گاتاها سرودهای مینوی زرتشت*. انتشارات فرهنگ ایران.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر الصافی*. تهران: مکتبه الصدر.
- قاسمی، جمال الدین. (۱۴۱۸ق.). *تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل*. بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.
- قدیانی، عباس. (۱۳۸۱ش.). *تاریخ ادیان و مذاهب در ایران*. تهران: فرهنگ مکتوب.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱ش.). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کتاب المقدس عهد عتیق و عهد جدید*. (۱۳۶۵ش.). تهران: نبأ.

- کتاب مقدس، ترجمه قدیم. (۱۳۸۴ش.). تهران: اسما.
- کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید. (۱۹۰۱م.). لندن: بیبل سوسائیتی.
- کتاب مقدس فارسی. (۱۳۶۲ش.). تهران: انجمن کتاب مقدس ایران.
- کتاب مقدس. (۱۳۷۹ش.). تهران: اساطیر.
- کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید. (بی تا). بی جا:
- کلینی رازی، محمدبن یعقوب. (۱۳۸۸ش.). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گلدنر، کارل فردریش. (۱۳۸۱ش.). اوستا، پیشگفتار دکتر ژاله آموزگار. تهران: اساطیر.
- گلن، ویلیام. (۱۸۵۶م.). کتاب مقدس: عهد عتیق و عهد جدید. لندن: دارالسلطنه لندن.
- گلن، ویلیام، هنری، مرتن. (۱۳۷۹ش.). کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید. ترجمه فاضل خان همدانی. تهران: اساطیر.
- مبلغی آبادانی، عبدالله. (بی تا). تاریخ ادیان و مذاهب جهان. بی جا.
- محمدی ری شهری، محمد. (بی تا). میزان الحکمه. بی جا.
- مرادی غیاث آبادی، رضا. (۱۳۹۲ش.). گائای زرتشت. تهران: رضا مرادی غیاث آبادی.
- مرتضی زبیدی، محمدبن محمد. (۱۴۱۴ق.). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
- معین، محمد. (۱۳۸۷ش.). فرهنگ فارسی معین. تهران: فرهنگ نما، کتاب آزاد.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۳۷۸ش.). ترجمه تفسیر کاشف. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- موحد، مجید. (زمستان ۱۳۸۸ش.). «رویکردی جامعه‌شناختی به مفهوم خدا». فصل‌نامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت دانشگاه شهید بهشتی. شماره ۲۱.
- موسی، حسین یوسف. (۱۴۱۰ق.). الإفصاح فی فقه اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

مهدوی نژاد، محمدحسین. (تابستان ۱۳۸۸ش.). «خدا در فلسفه جدید؛ از مفهوم تا وجود». پیام نور در حوزه علوم اسلامی. دوره ۱، شماره صفر.

میلر، ویلیام مک‌لوی. (۱۹۳۱م.). تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران. مترجم: علی نخستین و عباس آرین‌پور. چاپخانه آوگوست پریس.

ناس، جان. (۱۳۵۴ش.). تاریخ جامع ادیان. مترجم: علی اصغر حکمت. کمپانی مک‌میلیان، مؤسسه انتشارات فرانکلین.

ولی، وهاب و میترا بصیری. (۱۳۷۲ش.). ادیان جهان باستان. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

هاکس، جیمز. (۱۳۸۲ش.). قاموس کتاب مقدس. ترجمه جیمز هاکس. تهران: اساطیر.

هیوم، رابرت. ا. (۱۳۸۶ش.). ادیان زنده جهان. عبدالرحیم گواه. تهران: علم.

یاماوچی، ادوین. ام. (۱۳۹۰ش.). ایران و ادیان باستانی. ترجمه منوچهر پزشکی. تهران: ققنوس.